

روایت آخرین مقاومت «گردان حنظله»

۲۸ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۵۵

تاریکی مطلق شب‌الحاق نشدن نیروها و پاکسازی منطقه، عمق و وسعت زیاد میادین مین، هوشیاری و اطلاع قبلی دشمن نسبت به وقوع عملیات «والفجر مقدماتی» از جمله عوامل بازدارنده‌ای بودند که منجر شد رزمندگان نتوانند به اهداف کلی این عملیات دست یابند.

سردار حاج عباس قهرودی معاون «گردان حنظله» از حماسه رزمندگان این گردان در عملیات «والفجر مقدماتی» روایت می‌کند: «شب عملیات ما از خط عبور کرده و از کانال‌های متعدد و میادین وسیع مین عبور کردیم. دشمن کاملاً بر ما مسلط بود. تیربارهای سنگین دشمن به سمت گردان ما مدام شلیک می‌کردند. راهپیمایی طولانی بر روی «رمل»‌ها که وقت راه رفتن تا زانو در آن فرو می‌رفتیم توان همه را گرفته بود و دشمن همه توانش را گذاشت و ما را به محاصره خود در آورد.

من برای خاموش کردن سلاح «دوشکا» (نوعی تیربار) که مدام از ما تلفات می‌گرفت خودم را به سنگر دشمن رساندم و وقتی مقابل نیروی بعثی قرار گرفتم و با اسلحه به سمتش نشانه رفتم، متأسفانه اسلحه‌ام شلیک نکرد. سریعاً نارنجکی به درون سنگر انداختم تا منهدم شد اما رگباری از گلوله‌ها بدنم را شکافت و به شدت مجروح شدم. همزمان از بچه‌ها خواسته بودم که در صورت انهدام سنگر، حمله کرده و خاکریز را فتح کنند. در این لحظه در حالی که مجروح بودم معاونم آقای «مصطفی قاسمی» رسید. از او خواستم ادامه عملیات را بر عهده بگیرد.»

آزاده سرافراز «مصطفی قاسمی» نیز درباره چگونگی اسارت نیروهای گردان حنظله در عملیات «والفجر مقدماتی» می‌گوید: «بعد از اینکه حاج عباس قهرودی مجروح شد بار سنگین هدایت باقی مانده بچه‌های گردان حنظله به دوش من افتاد. من هم با هدایت بچه‌ها به سمت مواضع دشمن از چند کانال و خاکریز عبور کردیم. کارها به خوبی پیش می‌رفت تا اینکه با بی‌سیم اطلاع دادند که عملیات لو رفته و دیگر پیشروی نکنید و به انهدام نیرو و گرفتن تلفات از دشمن مشغول شوید.

منوره‌های دشمن منطقه عملیات را روشن کرده بود و زیر نور منور دست و پاهای جدا شده و سرهای بدور از بدن، صحنه کربلا را تداعی می‌کرد. شهید حسین یاری‌نسب از دیگر فرماندهان گردان حنظله در حالی که لباس سبز سپاه را برتن داشت و در کنار من نشست، بود بر اثر اصابت گلوله دشمن به سرش به شهادت رسید.

ما راهی برای عقب‌نشینی نداشتیم و هوا داشت روشن می‌شد. هوا که روشن شد دیدیم در محاصره تانک‌ها قرار گرفته‌ایم. باقی مانده بچه‌ها را که ۱۲ یا ۱۳ نفر می‌شدیم جمع کردم و پشت یک تپه موضع گرفتیم. دشمن مکان ما را شناسایی کرده بود. فاصله ما با تانک‌های دشمن کمتر از ۱۵ متر بود. بچه‌ها آماده شلیک «آر.پی. جی» به تانک‌ها بودند که در یک لحظه تپه رملی مقابل ما آماج شلیک مستقیم تانک‌ها شد و تانک‌ها از همه طرف به سمت ما هجوم آوردند. گرد و غبار ناشی از انفجار گلوله‌های تانک همه جا را گرفته بود و تعدادی از بچه‌ها شهید شدند و بقیه مجروح شده بودیم. گرد و غبار که نشست، تانک‌ها با نفراتشان بالای سر ما بودند و ما را به اسارت خود درآوردند.»

منبع: ایسنا

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۶۴۶/آخرین-مقاومت-گردان-حنظله-خبر-روایت>